

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۴۶

۱۸ فبروری ۲۰۱۳

فرار از کشور با حضور «جامعه جهانی»!

بعد از شکست شوروی، عقیده بر آن بود که اضافه از پنج میلیون مهاجر این کشور که در نتیجه جنایت و بربریت قشون اشغالگران و حزب «دموکراتیک»، با جبر و تحمیل به خارج از کشور مخصوصاً کشورهای ایران و پاکستان مهاجر گردیده، بخواهند گشت، اما با درد و دریغ که چنین نشد و جنایات هشت ثوری ها وحشیانه تر و خونین تر از هفت ثوری ها صفحات تاریخ ما را با خون توده های زحمتکش و ستمدیده، رنگین ساخته و سیر صعودی مهاجرت ها از هر زمانی بیشتر گردید. با ورود تنظیم های هفتگانه و هشتگانه به کابل، بوی دود، باروت و خون از هر کوچه پس کوچه به مشام می رسید و به شکل وحشیانه از زمین و آسمان بر سر مردم ستمدیده این شهر، مرمی و بم می بارید و در نتیجه، با شهادت ۶۵ هزار کابلی، شهر به تلی از خاک مبدل گردید. هر خانواده ای که توان مالی داشت شهر را ترک گفت، اما بی چیزترین ها و نادارترین ها ناگزیر همه روزه از یک گوشه به گوشه دیگر شهر در حال فرار بودند.

طالبان سمارق وار به کمک آی اس آی بیشتر از ۹۰ فیصد خاک کشور را زیر حاکمیت خود درآوردند، مردم را عقیده بر این بود که از شر تنظیم های جهادی خلاصی یافته و این «فرشته های صلح» باعث خواهند شد تا مردم دوباره به کشور بر گردند، اما این وضعیت با حاکمیت گروه طالبان که عقب مانده ترین و وحشیانه ترین سیاست های تاریخ را در تمامی زمینه ها اختیار کردند و با حکومت مائورای فاشیستی توده های زحمتکش ما را زیر ظلم و ستم گرفته بودند و برخورد ضد انسانی با زن داشتند، عرصه را بر زندگی توده ها بیش از پیش تنگ و تنگتر ساخته و سیل مهاجرت ها به کشورهای همسایه دوباره شکل صعودی خود را گرفت.

نبود حداقل امکانات زندگی، عدم مصونیت جانی و مالی، نبود شرایط کار برای نیروی کار و فشارهای مضاعف بر انسان ها، ناگزیر مهاجرت های اجباری را به بار می آورد. شرایطی که در جریان سه دهه اخیر در نتیجه اشغال و مداخله کشورهای همسایه بر مردم زحمتکش و ستمدیده ما جبراً تحمیل گردیده است.

بعد از حادثه یازده سپتمبر و ایجاد دولت کنونی از طرف «جامعه جهانی» زیر سایه سنگین ماشین جنگی ناتو و نزدیک به صد هزار عسکر امریکائی و غیر امریکائی، در اثر تبلیغات وسیع داخلی و خارجی مبنی بر اینکه برای افغانستان «فرصت طلایی» به دست آمده و افغانستان به طرف «شکوفائی» و «پیشرفت» قدم گذاشته، قسماً بین توده های زحمتکش امیدواری ها به وجود آمد و عودت مهاجران به کشور افزایش یافت، اما چندی نگذشت که متوجه شدند این تبلیغات واقعیت نداشته و بیشتر از هر زمانی وضعیت زندگی هموطنان ما سخت و طاقت فرسا گردیده است.

انفجارها و انتحارهای یازده سال گذشته که هر روز جان ده ها تن از ستمدیده ترین و زحمتکش ترین انسان های این کشور را می گیرد، و ده ها تن دیگر را مجروح و معیوب می سازد، یکی از دلایل عمده افزایش مهاجرت ها

به خارج از کشور و آوارگی ها از یک گوشه به گوشه دیگر در داخل است. ثمره «حضور جامعه جهانی»، ماهانه ترک تابعیت ۱۰ تا ۱۵ افغان، سالانه فرار ۵۰ هزار نفر به کشورهای اروپائی، بیجا شدن ۱۶۶ هزار نفر در داخل کشور در سال ۲۰۱۲ و یا به اساس گزارش تحقیق شورای مهاجران مستقر در ناروی آوارگی ۴۶۰ هزار نفر از سال ۲۰۱۱ تا حال است. با این وضعیت نه تنها برگشت مهاجران بیش از سه دهه جنگ و اشغال، امکان ندارد بلکه هر روز خیل عظیمی از مردم یا کشور را ترک می کنند و یا در داخل کشور از یک گوشه به گوشه دیگر آواره می گردند.

یکی دیگر از دلایل افزایش مهاجرت نبود حداقل شرایط کار برای نیروی کار است. با مراجعه به دروازه های سفارت خانه های رژیم آخوندی و ولایت فقیه ایران و دولت ضد مردمی پاکستان به وضوح می توان افزایش این مهاجرت ها را دید. با هر کدام از افرادی که منتظر اخذ ویزه در عقب این سفارت خانه ها تجمع نموده، صحبت کنیم، دلیل مهاجرت خود را نبود امکان کار و زندگی در کشور میدانند. با آن که برخوردهای غیر انسانی و وحشیانه نیروی های نظامی دولت های ضد مردمی ایران و پاکستان را با تمام وجود احساس می کنند، اما با آنهم برای ادامه حیات خود و پیدا کردن لقمه نان به فامیل خود ناگزیر دست به این مهاجرت های اجباری می زنند. البته کسانی که امکانات مالی بیشتر دارند، تلاش می نمایند تا با پرداخت ۲۵ تا ۳۰ هزار دالر امریکائی از راه های غیر قانونی و بسیار خطرناک خود را به یونان رسانده و از آن طریق به کشورهای اروپائی و غیر اروپائی برسند که هراز گاهی خبر غرق شدن تعداد زیادی از هموطنان ما را می شنویم.

امروز در کشور بی در و پیکر و زخمی ما برای عده معدودی از انسان ها که کمتر از پنج درصد نفوس را تشکیل می دهد از برکت حضور «جامعه جهانی» و «فرصت طلایی» تمام امکانات زندگی مهیا گردیده و با استفاده از فساد موجود و همه جانبه در دستگاه دولت، به ثروت های افسانه ئی و زندگی مرفه و آسوده دست یافته اند، در حالی که برای اکثریت ۹۵ درصد توده های زحمتکش، ستمدیده و فقیر ما این حضور جهنمی گردیده که هر روز مغز و استخوان آنان را می سوزاند و به خاکستر مبدل می سازد.

نظام حاکم در بخش های اقتصاد و سیاست طوری از طرف تیوریسن های بورژوائی در کشور ما تنظیم و تیوریزه شده که پول و قدرت در یک طرف و فقر و بدبختی در طرف دیگری انباشت گردیده و هر روز فاصله طبقاتی بین اقلیت ثروتمند و اکثریت نادار و فقیر عمیق و عمیقتر می گردد، لذا تا زمانی که پایه های دولت مستقل و مردمی از طرف اکثریت ۹۵ درصد توده های ما بنا نگردد و قدرت سیاسی را به دست نگیرد، رسیدن به زندگی انسانی برای توده های زحمتکش و ستمدیده خواب و خیالی بیش نیست.